

**A Review of US sanctions from The Perspective of Historical Sociology**

**(1979 – 2015)**

Abstract

Iran-US relations entered a period of tension and conflict after the Islamic Revolution. A set of historical causes and their outcome at the time of the Iranian revolution provided the conditions for differences between the two countries. Over the past four decades, the United States has used a variety of tools to moderate or curb the Islamic Republic's regional and global behaviors and policies, one of which is sanctions. The imposition of these sanctions during different periods of the US presidency, according to the approach of the president-elect, has had its strengths and weaknesses. In the present study, using the two basic functions of the historical sociological method, namely "understanding the present" and "understanding how it evolved and changed", we first study the history of sanctions imposed on Iran and then present three levels of differences. (Theoretical, historical and strategic), the historical causes of these conflicts have been studied. These levels are: 1) the historical background and roots of the conflict between the two countries 2) the intellectual and ideological background 3) the strategic and political differences.

Keywords: Historical Sociology, Sanctions, Iran-United States Relations.

## بررسی و تحلیل تحریم‌های آمریکا از منظر جامعه‌شناسی تاریخی (۱۹۷۹ - ۲۰۱۵)

احسان علینی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

غلامرضا خواجه سروی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

چکیده

روابط ایران و آمریکا پس از وقوع انقلاب اسلامی، وارد دوره‌ای از تنش و منازعه گردید. مجموعه‌ای از علل تاریخی و برآیند آن‌ها در بزنگاه انقلاب ایران، شرایط را برای بروز اختلافات میان دو کشور فراهم ساخت. طی چهار دهه گذشته، آمریکا از ابزارهای مختلفی جهت تعدیل یا مهار رفتارها و سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی جمهوری اسلامی استفاده کرده که تحریم‌ها، یکی از آن‌ها است. وضع این تحریم‌ها در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری آمریکا، با توجه به رویکرد رئیس‌جمهور منتخب، شدت و ضعف‌هایی داشته است. در پژوهش حاضر، با استفاده از دو کارکرد اساسی روش جامعه‌شناسی تاریخی، یعنی «فهم زمان حال» و «درک چگونگی تحول و تغییر آن»، ابتدا تاریخ تحریم‌های اعمال شده علیه ایران مطالعه و سپس با ارائه سطوح سه‌گانه‌ای از اختلافات (نظری، تاریخی و استراتژیک)، علل تاریخی این منازعات بررسی گردیده است. این سطوح عبارتند از: (۱) زمینه و ریشه‌های تاریخی منازعه میان دو کشور (۲) زمینه‌های فکری و ایدئولوژیک (۳) اختلافات استراتژیک و سیاسی.

واژگان کلیدی: جامعه‌شناسی تاریخی، تحریم‌ها، روابط ایران و آمریکا.

Ehsan.ellini@gmail.com

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.

Khajesarvy@yahoo.com

استاد تمام دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.

روابط میان ایران و آمریکا در سال‌های اخیر وارد مرحله تازه‌ای از تنش‌ها شده است که ماهیت متفاوتی نسبت به تنش‌های قبلی میان دو کشور دارد. آمریکا با استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی، سعی داشته تا با به کارگیری تمامی توان سیاسی خود و با مشارکت سایر دولت‌ها، ایران را مجبور به عقب‌نشینی از مواضع خود کرده و خواست‌هایش را بر آن کشور تحمیل کند. یکی از مهم‌ترین اهرم‌های آمریکا در دوره اخیر، سیاسی کردن پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و ارجاع آن به شورای امنیت سازمان ملل بوده است؛ تاکنون قطعنامه‌های ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) علیه جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسیده‌اند (منظور و مصطفی پور، ۱۳۹۲: ۲۲). علاوه بر این قطعنامه‌ها، آمریکا، اروپا، ژاپن، کانادا، استرالیا و برخی کشورهای دیگر نیز تحریم‌های یک‌جانبه‌ای را علیه ایران به اجرا گذاشته‌اند که فراتر از قطعنامه‌های شورای امنیت است. همچنین آمریکا بر سایر کشورها جهت محدود سازی روابط اقتصادی خود با ایران، فشار مضاعفی وارد کرده است.

جامعه‌شناسی تاریخی به عنوان یک حوزه فرعی اما مهم جامعه‌شناسی و محصول تلفیق این رشته با تاریخ، علی‌رغم داشتن توانایی‌های فراوان برای پاسخگویی به بسیاری از مسائل، در میان جامعه‌شناسان کم‌تر شناخته شده و مهجور باقی مانده است. جامعه‌شناسی تاریخی محصول تلاش برخی جامعه‌شناسان حاشیه‌ای برای غلبه بر مشکلات جریان اصلی جامعه‌شناسی است. روش (یا به عبارتی بینش) جامعه‌شناسی تاریخی دو کارکرد اساسی دارد: (۱) فهم زمان حال (۲) درک چگونگی تغییر و تحول آن (Macrauld, Taylor, 2004: 5).

با استفاده از رویکرد فوق، می‌توان ریشه‌های اساسی تنش در روابط میان ایران و آمریکا و اعمال تحریم‌ها را مورد بررسی قرار داد و مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر عدم دستیابی دو کشور به سطح قابل قبولی از فهم مشترک و بهبود مناسبات را ارزیابی کرد. علت انتخاب این بازه زمانی (۱۹۷۹ تا ۲۰۱۵) از آن جهت اهمیت دارد که اعمال تحریم‌ها تا قبل از انجام توافق برجام در سال ۲۰۱۵، به ویژه در دور اول دوره ریاست جمهوری اوباما، دو تحول اساسی را پشت سر گذاشته بود: (۱) وسیع شدن دایره تحریم‌ها و به نوعی راهبردی شدن ماهیت آن‌ها و (۲) همراهی بی‌سابقه دیگر کشورها به ویژه اتحادیه اروپا با آمریکا در این حوزه. به دلیل آن که تحریم‌های بعدی در دوره پس از خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸، دارای نیات و ماهیت متفاوتی از دوره پیشا برجام هستند، مطالعه و بررسی آن‌ها نیاز به پژوهش جداگانه‌ای دارد. برای مطالعه روابط میان دو کشور و تحلیل تحریم‌ها می‌توان سه سطح از اختلافات را با تطبیق بر مؤلفه‌های جامعه‌شناسی تاریخی، ارائه کرد؛ این سطوح عبارتند از: (۱) زمینه و ریشه‌های تاریخی منازعه میان دو کشور (۲) زمینه‌های فکری و ایدئولوژیک (۳) اختلافات استراتژیک و سیاسی.

بهار اخوان و محمود شفیعی (۱۳۹۸) در مقاله «تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران از منظر حقوق بین‌الملل»، تحریم‌های اعمال شده بر کشور را به دلیل اثرات مستقیم و غیر مستقیمی که بر شهروندان ایرانی داشته‌اند، مغایر با اصول و ارزش‌های جهان شمول حقوق بشر می‌دانند (اخوان و شفیعی، ۱۳۹۸: ۴۱). در نهایت نویسندگان با اعتبار سنجی اعمال تحریم‌های یک‌جانبه از لحاظ قانونی بر اساس مواردی چون تعارض تحریم و اصل عدم مداخله و تنافی تحریم‌های یک‌جانبه با اصل همکاری، اعمال چنین تحریم‌هایی از سوی آمریکا علیه ایران را از منظر حقوق بین‌الملل غیر مشروع و غیر قانونی می‌دانند.

شهرام رحمانی و افشین جعفری (۱۳۹۸) در مقاله «تقابل یک‌جانبه‌گرایی و حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل؛ مطالعه موردی: تحریم‌های آمریکا علیه ایران»، معتقدند بحث چالش‌های فراروی حاکمیت قانون در مواجهه با یک‌جانبه‌گرایی در حقوق بین‌الملل یکی از موضوعات مهم روابط و حقوق بین‌الملل را تشکیل می‌دهد. (رحمانی و جعفری، ۱۳۹۸: ۵۳). نویسندگان با استناد به موارد یاد شده، معتقدند تحریم‌های یک‌جانبه علیه دولت‌ها به نوعی نقض حاکمیت قانون در سطح بین‌المللی محسوب می‌گردد و ایالات متحده آمریکا با یک‌جانبه‌گرایی سعی بر پیشتازی در نقض تعهدات بین‌المللی و تهدید صلح و امنیت بین‌المللی را دارد.

داوود منظور و منوچهر مصطفی‌پور (۱۳۹۲) در مقاله «بازخوانی تحریم‌های ناعادلانه: ویژگی‌ها، اهداف و اقدامات»، معتقدند هدف اصلی تحریم‌کنندگان به زعم محققین ایجاد تغییر بنیادین در رویکردها و سیاست‌های ایران است. نویسندگان با نگاهی به روند کلیه تحریم‌های وضع شده از سوی غرب بر علیه ایران، پنج موج تحریم را شناسایی کرده‌اند: تحریم‌های تکنولوژیک، سرمایه‌گذاری و تجهیزات نظامی، محدودسازی نقل و انتقالات مالی، تحریم بانک مرکزی، تحریم‌های فروش نفت و گاز و ممنوعیت مبادلات فلزات گران‌بها و طلا و مسدودسازی وجوه (منظور و مصطفی‌پور، ۱۳۹۲: ۴۲).

همانطور که در مقدمه نیز اشاره شد، عمده پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه تحریم‌ها، یا بر بعد حقوقی و مشروعیت آن‌ها از نگاه قوانین بین‌الملل تأکید کرده‌اند، و یا عموماً به تبعات اعمال این تحریم‌ها بر شاخص‌های کلان اقتصاد ایران پرداخته‌اند؛ تأکید این پژوهش‌ها عمدتاً بر مشروع نبودن اعمال تحریم‌ها از سوی آمریکا بنا بر قوانین بین‌المللی است. در مقاله حاضر، محقق علاوه بر مطالعه دلایل عینی گسترش دهنده منازعات و بررسی اختلافات استراتژیک و سیاسی، زمینه‌های فکری و ایدئولوژیک و همچنین ریشه و علل تاریخی منازعه میان دو کشور را نیز مورد ارزیابی قرار می‌دهد؛ چراکه بدون در نظر گرفتن عناصر نظری اختلافات بین دو کشور، هرگونه تحلیلی از موضوع ناقص خواهد ماند و مسائل به صورت ریشه‌ای و فرآیندی مورد توجه قرار نمی‌گیرند.

#### روش تحقیق

گرایش جامعه‌شناسی به تاریخ به عنوان یک رویکر جدید در حوزه جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی تاریخی نام‌گذاری شده است. جامعه‌شناسی تاریخی از سویی به بررسی پدیده‌ها و ساختارها می‌پردازد و از سوی دیگر، حوادث و وقایع را کنکاش می‌کند. در واقع، بررسی روندها و ریشه‌های تاریخی و فرآیندهای تحول و یا کشف علّیت‌های تاریخی وقایع، موضوع

اصلی در جامعه شناسی تاریخی است. اساساً وجه مشخصه جامعه شناسی تاریخی، تأکید بر زمان و بررسی پویای موضوع و عدم بررسی ایستای آن است (Holton, 2003). با توجه به بحث های مطرح شده در این بخش، می توان گفت روش (یا بینش) جامعه شناسی تاریخی دو کارکرد اساسی دارد: (۱) فهم زمان حال (با نگاه به گذشته) (۲) درک چگونگی تغییر و تحول آن (بررسی علل تاریخی مسائل) (Macraird, Taylor, 2004: 5). مؤلفه اول به درک افراد از فهم جهان کنونی کمک می کند. مؤلفه دوم به تحول و تغییر جوامع و جهان اشاره دارد؛ جامعه شناسی تاریخی با اتخاذ معرفتی انتقادی، عقلانی و خلاق، درصدد یافتن ساز و کارهایی است که از طریق آن ها جوامع و جهان تغییر می کند (نوری، ۱۳۹۴: ۶۳).

#### یافته های تحقیق

۱. بررسی تحریم های آمریکا علیه ایران (۲۰۱۵ - ۱۹۷۹)

دوره ریاست جمهوری جیمی کارتر (۱۹۸۰ - ۱۹۷۸)

اولین مواجهه جدی میان ایران و آمریکا پس از انقلاب، بحران گروگانگیری دیپلمات ها در سفارت آمریکا بود که توسط دانشجویان خط امام در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ به وقوع پیوست. این اقدام موجب شد تا ممنوعیت های تجاری توسط آمریکا علیه ایران اعمال شوند و روابط رسمی میان دو کشور خاتمه یابد. کارتر در ۱۲ نوامبر ۱۹۷۹، با امضاء فرمان ۴۷۰۲ دستور قطع خرید نفت از ایران را صادر کرد و در ۱۴ نوامبر همان سال و با امضاء فرمان ۱۲۱۷۰، دستور توقیف تمام دارایی های دولتی ایران در آمریکا و بانک های آمریکایی که حدود ۱۲ میلیارد دلار می شد را نیز صادر کرد (Executive Order 12170: 1979). وی همچنین در کنفرانس سران هفت کشور صنعتی جهان، متحدان اروپایی خود را دعوت به تحریم اقتصادی ایران کرد. کارتر در ۷ آوریل ۱۹۸۰، با صدور فرمان اجرایی ۱۲۲۰۵، هر نوع صادرات از آمریکا به ایران را غیر قانونی اعلام کرد و بدین شکل، محدودیت های وسیعی بر مبادلات مالی میان دو کشور اعمال شد. (Executive Order 12205: 1980). در ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ با اجرای فرمان ۱۲۲۱۱، محدودیت های بیشتری بر تجارت با ایران اعمال شد از جمله لغو قراردادهای جاری آمریکا با شرکت هواپیمایی ایران، شرکت ملی نفت و شرکت گاز ایران. بر اساس این فرمان، هر نوع واردات از ایران و مسافرت اتباع آمریکایی به این کشور و معاملات مالی و تجاری آن ها با ایران ممنوع اعلام شد (Executive Order 12211: 1980).

علی رغم تمامی فشارهای اقتصادی که کارتر علیه ایران اعمال کرد، نشانه ای مبنی بر حل بحران گروگانگیری وجود نداشت؛ این امر باعث شد تا سطح تنش ها افزایش یابد و آمریکا دست به اقدامات دیگری زند. از جمله این اقدامات، اجرای ((عملیات طبس)) بود. اگرچه در آن زمان هدف اصلی عملیات، آزادسازی گروگان ها ذکر شد، اما برخی معتقدند که در پس این عملیات، سرنگونی نظام تازه تأسیس انقلابی در دستور کار بوده است. یکی از عناصر اطلاعاتی آمریکا به نام مایلز کاپلند در مورد هدف این عملیات می گوید: "هدف از تهاجم طبس، تنها آزادی گروگان ها نبوده بلکه کودتا برای سرنگونی رژیم ایران، هدف اصلی این عملیات بوده است" (کیه‌زا، ۱۳۶۲: ۱۳۶). پس از شکست عملیات طبس، دولت آمریکا اجرای یک کودتای نظامی برای سرنگونی جمهوری اسلامی را در دستور کار خود قرار می دهد که بعدها به کودتای نورژه معروف شد. (موسوی، ۱۳۶۳: ۱۸۹).

مجموع اقدامات فوق سطح تنش میان دو کشور را افزایش چشمگیری داد و لحن رهبران را تندتر از گذشته کرد. وجهه آمریکا به ویژه پس از شکست عملیات طبس در سطح جهانی تنزل قابل توجهی یافت و از طرفی رهبران نظام انقلابی اعتماد به نفس فزاینده‌ای یافتند. نظام انقلابی که خود را مستقل از دو قطب جهانی تعریف می‌کرد، خود را به عنوان پرچم دار مبارزه با سلطه و سیاست‌های امپریالیستی آمریکا مطرح می‌ساخت و در این راستا برای خود رسالت تاریخی در نظر داشت. در آمریکا با روی کار آمدن ریگان که یک جمهوری خواه تند بود و به شدت با دولت جدید ایران زاویه داشت، تنش‌ها وارد مرحله جدیدی شد و اقدامات دو کشور علیه یکدیگر افزایش یافت.

دوره ریاست جمهوری رونالد ریگان (۱۹۸۸ - ۱۹۸۱)

با تنش‌هایی که میان دو کشور بر سر بحران گروگانگیری دیپلمات‌های آمریکایی شکل گرفته بود، سیاست آمریکا بر مهار تمایلات انقلابی حکومت تازه تأسیس در ایران تمرکز یافت. عراق تحت هدایت صدام حسین در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (۱۹۸۰)، حمله سراسری خود علیه ایران را شروع کرد. دولت آمریکا اگرچه موضع شفافی در این رابطه اتخاذ نکرد، اما در عمل حمایت‌های گسترده‌ای از رژیم عراق کرد.

در ۲۷ آگوست ۱۹۸۶ (۱۳۶۵)، قانون «کنترل صادرات سلاح آمریکا»<sup>۱</sup> مورد بازبینی قرار گرفت و بخش‌های جدیدی به آن اضافه شد. بر اساس طرح جدید، فروش سلاح به کشورهایی که توسط دولت آمریکا حامی تروریسم بین‌المللی قلمداد می‌شدند، ممنوع شد. می‌توان گفت که هدف اصلی این طرح، ایران بود. با افزایش درگیری‌های پراکنده میان نیروهای نظامی دو کشور در خلیج فارس و تداوم بحران گروگانگیری در لبنان، فرمان اجرایی ۱۲۶۱۳ رئیس‌جمهوری آمریکا صادر شد. بر اساس این فرمان، واردات کالاها و خدمات ایرانی به آمریکا به دو دلیل ممنوع اعلام شد: الف) اقدام نظامی غیر قانونی علیه کشتی‌های آمریکایی و کشتی‌های متعلق به کشورهای بی‌طرف. ب) حمایت فعال ایران از تروریسم به مثابه ابزاری در سیاست خارجی. این فرمان همچنین شامل منع واردات مستقیم نفت خام از ایران هم بود (Executive Order 12613: 1987).

دوره ریاست جمهوری جرج اچ دبلیو. بوش (۱۹۹۲ - ۱۹۸۹)

جرج بوش که در دوران ریاست جمهوری ریگان معاون اول او بود و به طور مستقیم با موضوعات سیاست خارجی آمریکا به ویژه مسئله ایران درگیر بود، در انتخابات سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) پیروز شد و سکان کاخ سفید را بر عهده گرفت. مسئله گروگان‌های آمریکایی در لبنان هنوز حل و فصل نشده بود و ریگان نیز در ماه‌های آخر دوره اش موفقیت چشمگیری در این حوزه به دست نیاورده بود. به همین دلیل، بوش سعی کرد تا با لحن متفاوت و ملایم‌تری با تهران سخن گوید. او که برای آزادسازی این گروگان‌ها تحت فشار بود در سال ۱۹۸۹ در سخنرانی روز سوگند ریاست جمهوری به شکل غیرمستقیم از ایران خواست تا به آزادی گروگان‌ها کمک کند. با حمله عراق به کویت و برهم خوردن ثبات خاورمیانه، دولت آمریکا که نتایج دلخواهی از تنش‌زدایی میان دو کشور به دست نیاورده بود، سیاست مهار دوگانه را در قبال ایران و عراق در پی گرفت. مهم‌ترین ممنوعیت

تجاری که آمریکا در این دوره علیه ایران وضع کرد، «قانون منع گسترش تسلیحات ایران - عراق» بود که در ۲۳ اکتبر ۱۹۹۳ اجرا شد. (Alikhani, 2000: 171).

دوره ریاست جمهوری بیل کلینتون (۲۰۰۰ - ۱۹۹۳)

پس از دوازده سال ریاست جمهوری خواهان بر دولت، در انتخابات سال ۱۹۹۲ (۱۳۷۱)، بیل کلینتون دموکرات در کاخ سفید به قدرت رسید. مهم ترین گروه دنبال کننده افزایش فشارها بر ایران در این دوره، «کمیته روابط عمومی اسرائیل - آمریکا»<sup>۳</sup> موسوم به آی پک بود. در سال ۱۹۹۷ این گروه به عنوان دومین گروه لابی پرنفوذ در آمریکا مطرح می شد و شیوه های مختلفی برای آغاز موج جدید فشارهای اقتصادی بر ایران و تشدید آن ها در پیش گرفت. همزمان با این تلاش ها، دولت روسیه در فوریه ۱۹۹۵ با امضای قراردادی برای تکمیل نیروگاه هسته ای بوشهر موافقت کرد. مجموع این اتفاقات باعث شد تا کلینتون در ۱۵ مارس ۱۹۹۵، فرمان ۱۲۹۵۷ را صادر کند. بر اساس این فرمان، تجارت با ایران و سرمایه گذاری در این کشور، از جمله معامله نفت ایران در خارج توسط شرکت های آمریکایی و یا شرکت های خارجی وابسته به آن ها و همچنین مشارکت در توسعه پروژه های نفتی ایران ممنوع شد (Executive Order 12957:1995).

در ۶ می ۱۹۹۶، فرمان ۱۲۹۵۹ توسط کلینتون صادر گردید و بر اساس آن، هرگونه معامله شرکت های دولتی، خصوصی و افراد آمریکایی با ایران ممنوع اعلام شد. بر مبنای این فرمان، سرمایه گذاری در ایران یا پروژه های مربوط به این کشور در خارج از ایران نیز ممنوع گردیدند (Executive Order 12959: 1996). این ممنوعیت ها در حالی اجرا می شدند که تلاش کلینتون بر این بود تا از امضای طرح «قانون جامع تحریم ایران» اجتناب کند. این طرح توسط «آلوفنس داماتو» سناتور جمهوری خواه و نزدیک به آی پک در ۲۵ ژانویه ۱۹۹۵ به کنگره ارائه شده بود. این طرح حوزه گسترده تری را در بر می گرفت و نه تنها شامل ممنوعیت کامل تجارت با ایران و سرمایه گذاری در پروژه های این کشور می شد، بلکه اعمال ممنوعیت معاملات اقتصادی علیه شرکت های خارجی سرمایه گذار در ایران را نیز شامل می شد. این قانون که در ۵ آگوست همان سال به امضای کلینتون رسید، هر شرکت خارجی که در سال بیش از ۲۰ میلیون دلار در پروژه های مربوط به منابع نفتی ایران سرمایه گذاری کند را مشمول دو مورد از شش مجازات زیر توسط آمریکا قرار می دهد:

- ۱) ممنوعیت صدور مجوز برای صدور کالاهای نظامی یا دارای کاربرد نظامی توسط شرکت متخلف
- ۲) ممنوعیت اعطای وام بالغ بر ۱۰ میلیون دلار در یک دوره ۱۲ ماهه از طرف نهادهای مالی آمریکا
- ۳) اعمال ممنوعیت بر واردات از شرکت متخلف
- ۴) ممنوعیت کمک مالی از طرف بانک صادرات و واردات آمریکا
- ۵) ممنوعیت اقدام به عنوان پیمانکار دولت آمریکا یا ممنوعیت مشارکت در فرصت های مرتبط بامناقصه های دولت آمریکا
- ۶) ممنوعیت مشارکت مستقیم تحت عنوان کارگزار در اعطای اوراق قرضه دولت آمریکا (Katzman, 2001: 3)

قانون فوق از آنجایی که شرکت‌های خارجی را به دلیل ممنوعیت تجارت با ایران تحت مجازات قرار می‌داد، مهم‌ترین قانون ممنوعیت تجاری با ایران تا سال ۱۹۹۶ قلمداد می‌شد. فرمان اجرایی دیگری (۱۳۰۵۹) توسط کلینتون در ۱۹ آگوست سال ۱۹۹۷ امضا شد که ضمن تأکید بر ممنوعیت‌های دو فرمان قبلی خود، صدور هر نوع کالا، تکنولوژی و خدمات توسط افراد آمریکایی به طور مستقیم یا غیر مستقیم به ایران را ممنوع اعلام می‌کرد (Executive Order 13059: 1997).

دوره ریاست جمهوری جرج دبلیو. بوش (۲۰۰۹ - ۲۰۰۱)

با روی کار آمدن بوش پسر در سال ۲۰۰۰، باری دیگر سکان کاخ سفید به دست جمهوری خواهان افتاد. اگرچه بوش در اوایل دوره تصدی اش متمرکز بر مسائل داخلی آمریکا بود، اما وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و تلفات سنگینی که بر جا گذاشت باعث شد تا سیاست خارجی آمریکا به شدت سمت و سوی تهاجمی به خود بگیرد. در ۷ اکتبر ۲۰۰۱ و پس از آنکه طالبان از استرداد اسامه بن لادن سر باز زد، بوش مجوز حمله نظامی به افغانستان را صادر کرد. این اقدام اگرچه با محکومیت مقامات ایران رو به رو شد اما نهایتاً منجر به همکاری نیروهای نظامی دو کشور برای مدت کوتاهی در افغانستان شد. همچنین در ۱۹ مارس ۲۰۰۳، ائتلافی نظامی به رهبری آمریکا به عراق حمله کرد و رژیم صدام حسین در پی آن سقوط کرد. مجموع این حوادث بار دیگر تنش میان ایران و آمریکا را افزایش داد.

مسئله دیگری که به این تنش‌ها افزود، ادعای آمریکا مبنی بر تلاش جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاح هسته‌ای بود. اگرچه مذاکرات دولت ایران با نمایندگان سه کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان در دوره ریاست جمهوری خاتمی ادامه یافت و توافق‌نامه‌هایی چون بروکسل و پاریس منعقد شدند، اما به دلیل آنکه حق غنی‌سازی برای ایران به رسمیت شناخته نشده بود و همچنین رویکرد متخاصمانه آمریکا، این مذاکرات با شکست رو به رو شد و آمریکا توانست پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهد و دور تازه‌ای از تحریم‌ها را علیه این کشور اعمال کند.

دور پنجم تحریم و ممنوعیت‌های قانونی علیه ایران، حول محور موضوع برنامه هسته‌ای آن کشور متمرکز بود. در ۲۸ ژوئیه ۲۰۰۵ جرج بوش فرمان اجرایی ۱۳۳۸۲ را صادر کرد که ممنوعیت‌های تجاری بیشتری را متوجه ایران می‌ساخت. بر اساس این فرمان، دولت آمریکا می‌توانست دارایی‌های نهادها و افرادی که با برنامه هسته‌ای ایران مرتبط بودند را مسدود کند (Executive Order 13382: 2005). مطابق با همین فرمان بود که وزارت خزانه داری آمریکا در ۲۷ اکتبر ۲۰۰۷، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نه شرکت و پنج شخص را که وابسته به این نهاد عنوان شدند، مورد تحریم قرار داد (Treasury Press Release, October 25, 2007). در این دوره به غیر از تحریم‌های آمریکا، ایران همچنین تحت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، اتحادیه اروپا و برخی کشورهای دیگر بود.

دوره ریاست جمهوری باراک اوباما (۲۰۱۵ - ۲۰۰۹)



در ۴ نوامبر ۲۰۰۸، باراک اوباما به عنوان چهل و چهارمین رئیس جمهور آمریکا برگزیده شد. عمده مسائلی که در این برهه از زمان باعث شکل گیری تنش بین دو کشور شد عبارتند از: حمایت ایران از رژیم بشار اسد در سوریه، وقوع بهار عربی و موضع گیری های بعضاً متضاد دو کشور نسبت به این موضوع، شکل گیری اعتراضات گسترده نسبت به اعلام نتایج انتخابات سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹) ایران و ادعای تهران مبنی بر دخالت آمریکا در بروز ناآرامی ها، افزایش تنش میان ایران و اسرائیل و همچنین عربستان سعودی و نحوه برخورد با گروه داعش و ادعای حمایت های مالی و تسلیحاتی این گروه از هر دو طرف علیه یکدیگر و اعمال تحریم های بی سابقه به ویژه در بخش صنعت نفت ایران. با روی کار آمدن حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ (۲۰۱۳)، دو کشور برای اولین بار پس از انقلاب اسلامی در سطوح بالا بر سر برنامه هسته ای به مذاکره پرداختند و نهایتاً در ۴ ژوئن ۲۰۱۵، «برنامه جامع اقدام مشترک» میان ایران و کشورهای ۵+۱ منعقد گردید.

کنگره آمریکا در ۲۴ ژوئن ۲۰۱۰، «قانون جامع تحریم ایران» را تصویب کرد. طبق این قانون، به رئیس جمهوری اختیار داده شد تا بتواند بر شرکت ها و افرادی که هر نوع تجهیزات، کالا، اطلاعات و یا حمایت به هر نوعی را به نفع ایران انجام دهند، به ویژه در بخش صنعت نفت، مجازات های اقتصادی اعمال کند (House of Representatives, Bill 2194: 2010). در ۱۰ فوریه ۲۰۱۰ و بر اساس فرمان ۱۳۳۸۲، رستم قاسمی به عنوان فرمانده سپاه پاسداران و قرارگاه خاتم الانبیا، بخش مهندسی سپاه و چهار شرکت فرعی این قرارگاه توسط وزارت خزانه داری آمریکا به لیست تحریم ها اضافه شدند (Treasure Press Release, February 10, 2010). در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱، بر مبنای ماده ۱۲۴۵ قانون دفاع ملی، بانک مرکزی ایران مورد ممنوعیت های ویژه ای قرار گرفت.

طی سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲، اوباما با امضای فرمان های اجرایی مختلفی، محدودیت ها و مجازات های جدیدی علیه ایران اعمال کرد. این فرمان ها عبارتند از:

- فرمان اجرایی ۱۳۵۵۳، سپتامبر ۲۰۱۰ (Executive Order 13553: 2010).
- فرمان اجرایی ۱۳۵۷۴، ۲۳ می ۲۰۱۱ (Executive Order, 13574: 2011).
- فرمان اجرایی ۱۳۵۹۰، ۲۱ نوامبر ۲۰۱۱ (Executive Order 13590: 2011).
- فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹، ۶ فوریه ۲۰۱۲ (Executive Order 13599: 2012).
- فرمان اجرایی ۱۳۶۰۸، ۱ می ۲۰۱۲ (Executive Order 13608: 2012).
- فرمان اجرایی ۱۳۶۲۲، ۳ جولای ۲۰۱۲ (Executive Order 13622: 2012).

در ۳۲ می ۲۰۱۲، قانونی توسط مجلس سنای آمریکا به تصویب رسید که بر مبنای آن، در هر کجای دنیا هر شرکتی که در پروژه های مشترک انرژی که یک طرف آن ایران باشد، حضور داشته باشد، مورد مجازات های اقتصادی قرار می گیرد. (U.S Senate, Act S2334: 2012). در ۱۰ اگوست ۲۰۱۲، «قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه»<sup>۷</sup> به امضا رسید و به عنوان متمم، چندین محدودیت جدید به قانون تحریم های ایران اضافه شد (House of Representatives, Bill 1905: 2012).

۲. تحلیل علل تاریخی اعمال تحریم های آمریکا علیه ایران با استفاده از سطوح سه گانه اختلافات
- (۱) روند اتفاقات پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، آمریکا را هر چه بیشتر نسبت به آن کشور حساس تر کرد. اتفاقاتی چون گروگانگیری دیپلمات های آمریکایی، برخوردهای تند با نیروهای داخلی که احساس می شد با بیرون از کشور به ویژه آمریکا در ارتباط هستند، شعارهای تند انقلابی که در ضدیت با سیاست های منطقه ای آمریکا بود، اقدام به تأسیس نیروهای مسلح در کشورهایی چون لبنان و فلسطین که منافع اسرائیل به عنوان متحد استراتژیک آمریکا در منطقه را تحت الشعاع قرار می دادند از جمله مواردی بود که نظام انقلابی در ایران علیه آمریکا انجام داد. از سوی دیگر، پذیرفتن محمدرضا شاه در آمریکا برای معالجه، تلاش برای حمایت از نیروهای معتدل در ایران، تلاش برای اقدام نظامی علیه ایران در عملیات طبس، حمایت بخشی از نظامیان ایران جهت انجام کودتا، حمایت از صدام در جنگ ایران و عراق نیز از جمله مواردی هستند که آمریکا بر علیه ایران انجام داد. از این منظر، تحریم های آمریکا علیه ایران ابزار فشاری بودند برای تعدیل سازی سویه های انقلابی نظام تازه تأسیس و مهار آن در منطقه.
- (۲) به لحاظ ایدئولوژیک و فکری نیز، انقلاب ایران بسیار متأثر از ادبیات چپ گرایانه و ضد سرمایه داری بود. این چالش های ایدئولوژیک و فکری باعث شد تا از ابتدا میان دو کشور تنش های گوناگونی شکل بگیرد. از طرفی نظام تازه تأسیس انقلابی در ایران برای خود رسالتی جهانی به منظور از بین بردن سلطه و کمک به مستضعفین تعریف کرده بود، از طرف دیگر آمریکا به عنوان قدرت هژمون و برتر نگران برهم خوردن نظم مستقر در منطقه خاورمیانه بود. از این منظر، تحریم های آمریکا علیه ایران در واقع تلاشی بود از طرف قدرت مسلط به منظور حفظ تعادل نظم در سطح منطقه ای و جهانی و همچنین مهار ایدئولوژی اسلامی و رادیکال نظام انقلابی در ایران.
- (۳) از زمان شکل گیری رابطه میان ایران و آمریکا در اواخر قرن نوزدهم میلادی، شاهد وجود نوعی رابطه سینوسی هستیم. در برهه هایی از تاریخ، به عنوان مثال پس از پایان جنگ جهانی دوم و بحران اشغال شمال ایران توسط ارتش شوروی، آمریکا نقش مثبتی در حفظ تمامیت ارضی کشور داشت. در طول حکومت محمدرضا شاه، میان ایران و آمریکا پیوندی استراتژیک به وجود آمده بود و ایران در واقع در اردوگاه غرب قرار داشت. اما به همین نسبت در برهه های دیگری از تاریخ، مانند کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، عملاً آمریکا در سرنگونی دولتی دموکراتیک که می توانست بسیاری از خواسته های آزادی خواهانه ملت ایران را برآورده کند، نقش به شدت منفی داشت. زمانی که انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد، جوی به شدت ضد آمریکایی در ایران شکل گرفته بود چراکه عموم مردم این کشور را حامی اصلی رژیم در سرکوب و مهار آزادی خواهی در ایران در نظر می گرفتند. تحریم ها که در واکنش به سیاست های ضد آمریکایی نظام جدید اعمال شدند را می توان در چنین بستر تاریخی با فراز و فرودهای بسیار مورد توجه قرار داد.
- (۴) به لحاظ منافع استراتژیک و سیاسی نیز میان دو کشور به لحاظ تاریخی اختلافاتی وجود داشت اما در دوره قبل از انقلاب، این اختلافات نمود چندانی نداشتند. اهداف و استراتژی های کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی عبارت هستند از: حمایت از مستضعفین جهان، حاکمیت اسلام و گسترش آن به دیگر نقاط جهان و نفی هرگونه سلطه پذیری. در مقابل استراتژی های کلان سیاست خارجی آمریکا عبارتند از: جهانی نمودن لیبرالیسم، بسط سرمایه داری

و انتقال آن به دیگر کشورها، گسترش فرهنگ غربی (به ویژه فرهنگ آمریکایی) و ایجاد دولت های همسو جهت بسط روابط وسیع اقتصادی و سیاسی. مسلم است که با توجه به استراتژی های کلان آمریکا در سیاست خارجی خود، میان دو کشور تنش صورت گیرد. از این منظر می توان تحریم های آمریکا علیه ایران را در چارچوب اختلافات سیاسی و استراتژیک که در بستر تاریخی خاص خود شکل گرفته اند، مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد.

### نتیجه گیری

در مقاله حاضر تلاش شد تا با استفاده از روش جامعه شناسی تاریخی، علل های اعمال تحریم های متنوع از سوی آمریکا علی ایران در دوران جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. به نظر می رسد رهیافت جامعه شناسی تاریخی، ابزارها و معیارهای متنوعی برای بررسی پدیده های مختلف دارد.

در قسمت دوم بخش یافته های تحقیق، با استفاده از سطوح سه گانه اختلافات، تحریم های اعمال شده در چارچوب مفهومی جامعه شناسی تاریخی، مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفتند. در این قسمت با استفاده از مجموعه ای از عناصر نظری و عینی که به آن ها اشاره شد، منازعه میان دو کشور از منظری کلان تحلیل شد. هر سه سطح مطرح شده را باید در زمینه ای تاریخی مورد توجه قرار داد. این سطوح عبارتند از:

- ۱) زمینه ها و بستر تاریخی روابط میان دو کشور که نهایتاً منجر به بروز اختلافات گسترده شد
- ۲) زمینه های فکری و ایدئولوژیک این اختلافات
- ۳) اختلافات استراتژیک و سیاسی میان دو کشور.

مهم ترین عوامل سطح اول در ایجاد و تشدید تنش ها عبارتند از: تحریم های آمریکا علیه ایران به مثابه ابزار فشاری برای تعدیل سازی سویه های انقلابی نظام تازه تأسیس و مهار آن در منطقه، وجود فضای سنگینی از بی اعتمادی میان دو کشور، وجود نوعی رابطه سینوسی در روابط دو کشور در طول تاریخ، جو شدید ضد آمریکایی پس از پیروزی انقلاب و بحران گروگان گیری در سفارت آمریکا. مهم ترین عوامل سطح دوم در ایجاد و تشدید تنش ها عبارتند از: متأثر بودن انقلاب ایران از ادبیات چپ گرایانه و ضد سرمایه داری، بنیادگرایانه دانستن ذات نظام تازه تأسیس ایران از منظر رهبران آمریکا، خطر اوج گیری اسلام سیاسی به مثابه نیروی مؤثر در جهت مقابله با غرب، در نظر داشتن رسالتی جهانی به منظور از بین بردن سلطه و کمک به مستضعفین توسط رهبران انقلاب ایران، و تلاش آمریکا جهت مهار ایدئولوژی اسلامی و رادیکال نظام انقلابی. مهم ترین عوامل سطح سوم در ایجاد و تشدید تنش ها عبارتند از: تجدید نظر در سیاست های کلان منطقه ای و جهانی نظام انقلابی و گرایش به صدور انقلاب و نفوذ در نیروهای رادیکال و مستعد در جهان اسلام، مسئله فلسطین و تقابل میان ایران و اسرائیل، جهانی نمودن لیبرالیسم، بسط سرمایه داری و انتقال آن به دیگر کشورها توسط آمریکا، ایجاد دولت های همسو جهت بسط روابط وسیع اقتصادی و سیاسی و همچنین مهار نظام انقلابی ایران و گسترش فرهنگ غربی (به ویژه فرهنگ آمریکایی) که در حوزه های بسیاری با معیارهای نظام انقلابی در ایران تضاد آشکار داشت.

در نهایت، به نظر می‌رسد موضوع اعمال تحریم‌های آمریکا علیه ایران، علاوه بر دلایل سیاسی، اقتصادی و استراتژیک، سویه‌های پنهان مؤثر دیگری نیز دارد. بررسی این سویه‌های پنهان با ابزارهایی چون روش جامعه‌شناسی تاریخی به ما کمک می‌کند تا فهم درست‌تری از وضعیت کنونی وقایع و چگونگی تحول و تغییر آن‌ها داشته باشیم؛ امید است توجه به این مسائل، بتواند در آینده باب تحقیقات جامع و عمیق‌تری را در حوزه بررسی تحریم‌ها در فضای علمی کشور بگشاید.

پی‌نوشت

- <sup>۱</sup> Operation Staunch
- <sup>۲</sup> U.S. Arms Export Control Act
- <sup>۳</sup> Iran-Iraq Arms Non-Proliferation Act
- <sup>۴</sup> American-Israel Public Affairs Committee (AIPAC)
- <sup>۵</sup> Alfonse Marcello D'Amato
- <sup>۶</sup> Iran and Libya Sanctions Act
- <sup>۷</sup> Joint Comprehensive Plan of Action
- <sup>۸</sup> The Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act
- <sup>۹</sup> Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act

کتابنامه

الف) فارسی

- اخوان، بهار و شفیع، محمود (۱۳۹۸). «تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران از منظر حقوق بین‌الملل». پژوهشنامه حقوق بشری. شماره ۴ (پیاپی ۱۵). ۶۰ - ۴۱.
- رحمانی، شهرام و جعفری، افشین (۱۳۹۸). «تقابل یک جانبه‌گرایی و حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل؛ مطالعه موردی: تحریم‌های آمریکا علیه ایران». فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. شماره ۴. ۷۱ - ۵۳.
- منظور، داوود و مصطفی‌پور، منوچهر (۱۳۹۲). «بازخوانی تحریم‌های ناعادلانه: ویژگی‌ها، اهداف و اقدامات». فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی. شماره ۲. ۴۲ - ۲۱.
- موسوی، علی. کودتا و ضد کودتا. دفتر نشر فرهنگی اسلامی. تهران، ۱۳۶۳.
- نوری، هادی (۱۳۹۴). بینش جامعه‌شناسی تاریخی. فصلنامه جامعه‌شناسی تاریخی. دوره ۷، شماره ۲. ۹۰ - ۵۹.

ب) انگلیسی

- Alikhani, Hossein (2000). *Sanctioning Iran: Anatomy of a Failed Policy*. London: I.B. Tauris Publishers.
- Holton, Robert (2003), *Handbooke of Historical Sociology*. Edited by Delanty, Gerard & Isin, and Engin. F, Sage Publications, London.
- House of Representatives (2010). "Bill 2194: *Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act of 2010*".

- House of Representatives (2012). *“Bill 1905: Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act”*.
- Katzman, Kenneth (2001). *The Iran-Libya Sanctions Act (ILSA)*. Congressional Research Service.
- Macrauld, D, Taylor, A. (2004). *Social Theory and Social History*. New York: Palgrave Macmillan.
- Treasury press release (October 25, 2007), *“Statement by Secretary Paulson on Iran Designations”*.
- Treasury press release (October 25, 2007), *“Factsheet: Designation of Iranian Entities and Individuals for Proliferation Activities and Support for Terrorism”*.
- Treasury press Release (February 10, 2010). *“Treasury Targets Iran’s Islamic Revolutionary Guard Corps”*.
- The US National Archives and Records Administration (1979). *“Executive Order 12170: Blocking Iranian Government property”*.
- The US National Archives and Records Administration (1980). *“Executive Order 12205: Prohibiting certain transactions with Iran”*.
- The US National Archives and Records Administration, *“Executive Order 12211: Further prohibitions on transactions with Iran”* (1980).
- The US National Archives and Records Administration (1987). *“Executive Order 12613: Prohibiting imports from Iran”*.
- The US National Archives and Records Administration (1995), *“Executive Order 12957: Prohibiting Certain Transactions With Respect to the Development of Iranian Petroleum Resources”*.
- The US National Archives and Records Administration (1997) *“Executive Order 13059: Prohibiting Certain Transactions With Respect to Iran”*.
- The US National Archives and Records Administration (2005). *“Executive Order 13382: Blocking Property of Weapons of Mass Destruction Proliferators and Their Supporters”*.
- The US National Archives and Records Administration (2010). *“Executive Order 13553: Blocking Property of Certain Persons With Respect to Serious Human Rights Abuses by the Government of Iran and Taking Certain Other Actions”*.
- The US National Archives and Records Administration (2011). *“Executive Order 13590: Authorizing the Imposition of Certain Sanctions With Respect to the Provisions of Goods, Services, Technology, or Support for Iran's Energy and Petrochemical Sectors”*.
- The US National Archives and Records Administration (2011). *“Executive Order 13574: Authorizing the Implementation of Certain Sanctions Set Forth in the Iran Sanctions Act of 1996, as Amended”*.
- The US National Archives and Records Administration (2012). *“Executive Order 13599: Blocking Property of the Government of Iran and Iranian Financial Institutions”*.
- The US National Archives and Records Administration (2012). *“Executive Order 13622: Authorizing Additional Sanctions With Respect to Iran”*.

- The US National Archives and Records Administration. (2012) "*Executive Order 13608 Prohibiting Certain Transactions With and Suspending Entry into the United States of Foreign Sanctions Evaders With Respect to Iran and Syria*".
  - U.S. Government Accountability Office (GAO) (2012). "*Actions to Enforce the Iran Sanctions Act and Implement Contractor Certification Requirement*".
  - U.S. senate (2012). Act: S2334.
-